



انترناسیونال

۲۵۲

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۲۱ تیر ۱۳۸۷، ۱۱ ژوئیه ۲۰۰۸

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی



تظاهرات
به مناسبت
سالگرد
۱۸ تیر

صفحه ۱۲

دو راهی جنگ و سازش آمریکا و جمهوری اسلامی افول اسلام سیاسی



محمد آسنگران

تبلیغات جنگی جمهوری اسلامی و آمریکا يك بار دیگر دنیا را متوجه خود کرده است. راههای جنگ و سازش دو قطب تروریستی به رهبری آمریکا و جمهوری اسلامی و رشد اعتراضات مردم حق طلب بویژه در ایران، همزمان ترس و امید مردم جهان را در هم آمیخته است. سیاست این دو قطب بر همان پایه هایی میچرخد که ما قبلا در مورد آن گفته و نوشته ایم. اسلام سیاسی برای سهم خواهی خود در سیاست و اقتصاد جهان، بویژه در کشورهای اسلام زده، همچنان در حال جنگ با رقبای خود است. آمریکا هم برای تثبیت قدر قدرتی خود در جهان با تمام امکانات موجود در تلاش است.

تهران به سران رژیم اسلامی تحویل داده شد. همزمان با این اقدامات، اسرائیل مانور نظامی خود را اجرا کرد و متعاقبا اعلام کردند هدف از آن آمادگی برای حمله به مراکز مورد نظر در ایران بوده است. سرداران سپاه هم در مقابل، اعلام کردند که در صورت حمله اسرائیل تنگه هرمز را میبندند و در عین حال ابعاد جنگ را فراتر از خاورمیانه دنبال میکنند. فرماندهان آمریکایی در جواب، از آمادگی خود برای مقابله قاطع با تهدیدات جمهوری اسلامی سخن گفته اند. بوش با اعلام اینکه گزینه نظامی هنوز روی میز آمریکا است نشان داد که مسئله همچنان جدی است و متحدین اروپایی خود را تحت فشار قرار داده است که راه حل دیپلماتیک جواب نمیدهد و باید برای اقدام نظامی آماده شوند. نگرانی برلوسکونی در ایتالیا واضح تر از بقیه قصد بوش را از تلاش دیپلماتیک عیان کرد. گویا نا امیدی آمریکا از نتایج دیپلماتیک و دخالت تا کنونی متحدین اروپایی، يك بار دیگر گزینه نظامی را برجسته کرده است.

در عین حال آمریکا و متحدین او برای مهار کردن جنبش اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی همیشه نگران خارج شدن کنترل خود بر تحولات منطقه بوده و تلاش میکنند سیاست واحدی را برای مهار جمهوری اسلامی و جریانات اسلامی پیش ببرند که در نتیجه این تحولات مردم نتوانند میدان دار اصلی بشوند. به همین دلیل آنها در مقابله با جمهوری اسلامی همیشه سیاست چماق و هویج را دنبال کرده اند. اساس این سیاست ترس آنها از به میدان آمدن جنبشهای چپ و رادیکال در مقابله با جمهوری اسلامی است. اخیرا و بعد از تشدید سیاست محاصره اقتصادی ایران بسته پیشنهادی ۵ + ۱ با رایزنی سولانا در

صفحه ۲

چراغی که خاموش شد!



حمید نقوائی

این نوشته بر مبنای سخنرانی در مراسم یادبود منصور حکمت در تورنتو تنظیم شده است. شش سال از مرگ منصور حکمت میگذرد. هر سال در مراسم یادبود این نوشته بر مبنای سخنرانی در مراسم یادبود منصور حکمت در تورنتو تنظیم شده است. شش سال از مرگ منصور حکمت میگذرد. هر سال در مراسم یادبود

صفحه ۴

در باره "شورای ملی صلح"



مصطفی صابر

گفتگوی تلویزیونی انترناسیونال با مصطفی صابر (۲۵ ژوئن ۲۰۰۸) کیوان جاوید: مصطفی صابر خوش آمدید. می گویند "خبر خوشی" در ایران پخش شده و "اتفاق بزرگی"

صفحه ۶



اعتصاب کارگران ایران خودرو

صفحه ۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ دوراهی جنگ و سازش ...

همزمان با این اقدامات آمریکا و متحدین او تلاش کرده اند که متحدین جمهوری اسلامی را از او دور و یا خنثی کنند. مذاکره سوریه و اسرائیل با میانجیگری ترکیه، مذاکره اسرائیل و حماس با میانجیگری مصر و تلاش کشورهای عربی برای ایجاد توازن بین دولت لبنان و حزب الله، مذاکره آمریکاییها با دولت مالکی برای توافق بر سر یک قرارداد امنیتی که حضور و قدرت فائقه آمریکا در عراق را دائمی کند ... همگی اقداماتی است که قرار است این جریانها را از جمهوری اسلامی دور و برتری قدرت آمریکا را تثبیت کند.

تلاش دولت مالکی برای حاشیه ای کردن مقتدا صدر و دیگر جریانها مهار نشده در عراق سیر این تحولات را به نفع سیاستهای آمریکا و تحت فشار قرار گرفتن جمهوری اسلامی نشان میدهد. لازم به یاد آوری است که آمریکا بیش از پیش متحد خود، اسرائیل را تحت فشار قرار داده است که به نفع استراتژی آمریکا در مقابل جریانها اسلامی نرمش از خود نشان دهد. مذاکره اسرائیل با حماس و حزب الله و توافقات آنها در این راستا است.

توافق اسرائیل و حزب الله برای مبادله اسرا و لغو محاصره اقتصادی در مرزهای غزه که نتیجه توافقات اسرائیل و حماس بود هر چند شکننده اما همگی نشان از تحرکی تازه است. آمریکا متوجه این واقعیت شده است که تشکیل دولت فلسطینی و نرمش نشان دادن اسرائیل در این راستا برای نیل به توافقاتی با سوریه، حماس و حزب الله میتواند یکی از کانونهای بحران در خاور میانه را آرام و امکان دخالت جمهوری اسلامی را در این منطقه محدود کند. اینها سیاستهایی است که فعلا در جریان است. اگر چه تضمینی برای موفقیت این اقدامات وجود ندارد اما فشار بر اسرائیل کلید پیش رفت این تحولات به نفع آمریکا است. جمهوری خواهان آمریکا تلاش میکنند قبل از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در نوامبر آینده سیر قطعی این تحولات را به جامعه نشان دهند. این یک فاکتور مهم برای جمهوری خواهان در آمریکا و در عین حال قدمی در راستای سیاستهای آمریکا در منطقه

حلی روبرو کرده است. بنابراین جمهوری اسلامی هم در داخل و هم در خارج از مرزهای خود با فشارها و مشکلات عدیده و غیر قابل حلی روبرو است. اگر بخواهد بر سیاستهای تا کنونی در مقابل رقبای غربی خود پافشاری کند امکان و توان مقابله نظامی و اقتصادی آنرا ندارد. متحدین او در سوریه، عراق، فلسطین و لبنان و ... یکی بعد از دیگری در راستای منافع خود وارد مذاکره و معامله با اسرائیل و آمریکا شده اند. سوریه ترجیح میدهد خود را در میان کشورهای عربی و متحد آنها باز یابد. این کار اساسا با دوری از جمهوری اسلامی ممکن میگردد. حماس و حزب الله با توجه به مشکلات عدیده ای که در فلسطین و لبنان با رقبای خود دارند، ناچار شده اند با اسرائیل وارد مذاکره و معامله شوند. سوریه از مذاکره با اسرائیل استقبال کرده است. اسرائیل هم به دلیل تهدید جمهوری اسلامی و هم به دلیل فشار آمریکا ناچار به کوتاه آمدن در مقابل رقبای خود در منطقه است.

فاکتورهای فوق به ضرر جمهوری اسلامی و بعلاوه فشارهای داخلی جنبشهای اعتراضی و چند پارچگی قدرت در داخل حکومت، همگی شرایطی را فراهم کرده است که رژیم اسلامی را ناچار به کوتاه آمدن کند. در مورد بسته پیشنهادی ۵ + ۱ نشانه های کوتاه آمدن و میل به مذاکره و مصالحه با آمریکا را میتوان دید. جمهوری اسلامی البته تلاش میکنند این عقب نشینی شکستی برای او محسوب نشود و با تشدید سرکوبهای داخلی ابعاد عقب نشینی خود در مقابل رقبای غربی را کم رنگ کنند. اما اگر جمهوری اسلامی سیاست سازش با غرب را در پیش گیرد نمیتواند آنرا مخفیانه و با حفظ چهره فعلی انجام دهد.

بنابر این جمهوری اسلامی با کوتاه آمدن و راه سازش با آمریکا ناچار است این راه را تا به آخر دنبال کند. ما قبلا در قطعه نامه پلنوم ۳۰ حزب کمونیست کارگری این روند و پیامدهای این روند را بررسی کرده ایم. علاقمندان میتوانند به آن قطعه نامه رجوع کنند. رژیم اسلامی اگر بخواهد با سیاستهای آمریکا و دول غرب هماهنگ بشود ناچارا باید تحولات و تغییرات بنیادی را از سر بگذراند. آن هنگام دیگر نمیتواند جمهوری اسلامی با این مشخصات

فعلی بر سر کار باشد. زیرا بنیاد و پایه رژیم اسلامی بر ضد آمریکای گری بنا شده است. این رژیم نمیتواند از یک رژیم ضد آمریکایی به دوست آمریکا تبدیل شود. این پوست اندازی ممکن نیست مگر با تغییرات بنیادی و ساختاری این رژیم. راه دوم اما مقابله با غرب و ادامه سیاست ضد آمریکای گری کنونی است. این راه دوم برای رژیم استراتژی پایداری است. اما ادامه این راه، هم مشکل ساز است و هم شرایط و تحولات کنونی در منطقه ادامه این سیاستها را برای رژیم غیر ممکن کرده است. موقعیت منزوی شده فعلی رژیم اسلامی تنها مرحله ای از این روند است. زیرا ادامه این روند شدت بحران و تقابل نظامی آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی را به دنبال دارد. جمهوری اسلامی اگر بخواهد بر این روند پافشاری کند با مشکل انشقاق درونی و تعرض مخالفینش هم در منطقه و هم در داخل کشور روبرو میشود.

بنابر این جمهوری اسلامی با بحران لاعلاجی روبرو است که راه پس و پیش ندارد. در هر دو حالت سرنگونی و اضمحلال این رژیم قطعی بنظر میرسد. مشکل این بحران تنها مناسبات بالائینها نیست. مشکل غیر قابل حل برای رژیم اسلامی و البته آمریکا هم، مقابله مردم با روندی است که این دو قطب در پیش گرفته اند. زیرا بازیگران صحنه سیاست در منطقه و بویژه در ایران فقط این دو قطب تروریستی نیستند. فاکتور مردم معترض و رشد جنبشهای انقلابی در ایران مایه نگرانی جمهوری اسلامی و غرب هر دو است. پا به میدان گذاشتن جبهه سوم در مقابل این دو قطب و تعیین تکلیف با رژیم اسلامی و سرنگونی انقلابی آن، تنها راهی است که سلامت جامعه و رهای مردم را میتواند تضمین کند. اما این راه بر خلاف منافع جمهوری اسلامی و غرب است. به همین دلیلی ما همیشه تاکید کرده ایم که در نتیجه فاکتور جنگ و نظامی کردن جامعه ایران، این جنبش لطمات غیر قابل جبرانی را متحمل میشود. در این پروسه ممکن است حتی جمهوری اسلامی نهایتا از بین برود، اما کل جامعه و مردم دچار صدمات غیر قابل باوری خواهند شد. اگر چه انتهای این پروسه فعلا قابل پیش

بینی نیست اما فاکتور جنگ و محاصره اقتصادی کل اقتصاد و زیرساختهای اقتصادی و در نتیجه سیاست جامعه ایران را هم دچار تحولات و مشکلات عدیده ای خواهد کرد.

بنابر این مردم نه تنها هیچ نفعی در ادامه شرایط فعلی و بدتر از این - جنگ این دو قطب - ندارند، بلکه روز به روز بیشتر دود این آتش به پا شده به چشم مردم میرود. گرانی سر سام آور، تورم رو به افزایش، بیکاری و عدم امنیت شغلی که در اثر محاصره اقتصادی تشدید هم شده است، تنها نمونه هایی از تاثیرات تقابل این دو قطب بر زندگی مردم است.

شروع جنگ، این مشکلات را صد چندان خواهد کرد. با ادامه محاصره اقتصادی ایران و آغاز جنگ احتمالی آمریکا و جمهوری اسلامی کل منطقه دستخوش تحولاتی عمیق و اساسی خواهد شد. البته ابعاد این تحولات نه به ایران و نه به منطقه محدود نخواهد بود. همچنانکه بحران بورژوازی ایران و تاثیرات این بحران ابعادی جهانی داشته است، شروع جنگ این دو قطب ابعاد مغرب جهانی به مراتب بیشتری خواهد داشت.

نمونه های زیر گوشه ای از این واقعیت است:

"کشورهای اروپا با گسترش ابعاد تحریمها، بانک ملی ایران را شامل محدودیتهایی کرده اند که از این به بعد این بانک دولتی که طرف اصلی معاملات تجاری با کشورها و شرکتهای بزرگ بوده است، نمیتواند به فعالیت خود مثل قبل ادامه دهد. بانک ملی ایران یک بانک دولتی است، بزرگترین بانک ایران برای معاملات تجاری است. این بانک در دنیا ۴۵ هزار کارمند و سه هزار شعبه دارد. بیلان مالی این بانک ۳۸ میلیارد یورو اعلام شده است. برای مثال بیشترین معاملات تجاری آلمان تا کنون از طریق این بانک صورت گرفته است. در نتیجه محاصره اقتصادی ایران معاملات آلمان با ایران در سال ۲۰۰۶ پنج میلیارد دلار و در سال ۲۰۰۷ این معاملات به پنج میلیارد دلار کاهش پیدا کرده است." تازه این کاهش در حالی صورت گرفته است که ابعاد محاصره اقتصادی سال قبل قابل مقایسه با صفحه ۳

از صفحه ۲ دوراهی جنگ و سازش...

سال ۲۰۰۸ نبوده است.

رئیس دویچه بانک که بزرگترین بانک طرف معامله ایران بوده است از طرف معاون وزیر دارایی آمریکا "ربرت کیمیت" تحت فشار قرار گرفته که معاملاتش با بانکهای ایرانی را قطع کند. در غیر اینصورت مشکلات جدی با سازمان نظارت بر بورس جهانی پیدا خواهد کرد. بعد از این تهدید دویچه بانک اسمش در سایت مربوط به سازمان نظارت بر بورس جهانی که لیست شرکتها و بانکهای طرف معامله با کشورهای حامی تروریسم قید شده است آمده است. از این زمان به بعد "دویچه بانک" و "درسنر بانک" که به عنوان دو بانک خواهر در معاملات جهانی عمل میکنند همراه با "کومرتس بانک" یکی دیگر از بانکهای نزدیک به آنها با مشکلات جدی روبرو شده اند. زیرا این بانکها یا باید از سود معاملات با ایران بهره مند شوند و یا از معاملات با کنسرنها و شرکتهای آمریکایی.

سرمایه داران و شرکتهای کوچکتر آلمانی از دو سال قبل تا کنون با مشکلات بیشتری روبرو بوده اند، زیرا دولت آلمان هیچ تضمینی برای پیامدهای معاملاتشان با ایران را به آنها نمیدهد. پیامدهای این محاصره اقتصادی از این هم بیشتر است. بر اساس تحقیقات دانشگاه جنز هایکینز با توجه به سیر سعودی مصرف داخلی نفت و گاز در ایران و با توجه به محدودیت سرمایه گذاری در صنعت نفت و گاز اگر شرایط به همین صورت باشد، ایران تا سال ۲۰۱۵ نفتی برای فروش نخواهد داشت. زیرا ظرفیت تولید نفت از سال ۱۹۷۹ روزانه از ۶ و ۶ میلیون

بشکه به ۹،۳ میلیون در شرایط فعلی کاهش پیدا کرده است. زیرا سرمایه گذاری در این صنعت فقط از طریق بانکهای بزرگ و معتبر جهانی امکان پذیر است و ایران از این امکانات محروم شده است. در اثر این فشارها ماه قبل شرکتهای شل (مولتی رویال) و کنسرن اسپانیایی رپسول از پروژه پارس جنوبی خارج شده اند.

اینها تنها نمونه هایی از فاکتهای بیشتری است که مجله اشپگل مستند به آنها اشاره کرده است. اگر ابعاد وسیع و جهانی این نمونه ها را در نظر بگیریم بسیار بیشتر از اینها است. جمهوری اسلامی هر چند تلاش کند که با کشورهای مانند چین و روسیه ... معاملاتش را پیش ببرد اما سرمایه در ایران برای وارد شدن به بازار جهانی و فراهم کردن شرایط سرمایه گذاری در ایران، راهی بجز سازش با آمریکا و دیگر کشورهای غربی ندارد. این آن بن بست است که جمهوری اسلامی در آن گیر کرده است.

بنابر این جمهوری اسلامی تنها رژیم مورد نفرت مردم نیست بلکه رژیم متعارف بورژوازی هم نیست. این رژیم یک دوره برای مقابله با انقلاب مردم و "خطر" چپ و محدود کردن نفوذ بلوک شرق به قدرت رسید. اما اکنون هم به عنوان مانع پیشرفت جامعه و رفاه مردم و هم به عنوان مانعی بر سر راه سود و انباشت سرمایه عمل میکند. این رژیم هیچ وقت مطلوبیتی برای مردم و مزد بگیران جامعه نداشته است و اکثریت مردم ایران خواهان سرنگونی آن بوده و هستند. اما سالها است که دوران

مطلوبیتش برای سرمایه هم از بین رفته است. اگر مشکل مردم همیشه وجود این رژیم و حامیان گذشته و حال آن بوده است، اما مشکل بورژوازی غرب با این رژیم نبود. الترنتیو مورد قبول و قابل اتکا برای آنها در صحنه سیاست ایران است. با این وجود امکان دسترسی این رژیم به بمب اتم و تجهیز جریانات اسلامی با این سلاح کشتار جمعی، خطری است که بورژوازی جهانی را به تغییر سریعتر این رژیم متقاعد کرده است. از نظر بورژوازی جهانی این رژیم یا باید تغییر کند و با سیاستهای جهانی آنها هماهنگ گردد و یا اینکه سرنگونی آن و تحمل یک دوره بی ثباتی برای بورژوازی بهتر از آن است که جریانات دشمن آمریکا و اسرائیل به سلاح اتمی دست پیدا کنند.

بنابر این جامعه ایران به دوران سرنوشت سازی رسیده است. مسئله تغییر رژیم و تحولات بنیادی در ایران اکنون به مسئله روز تبدیل شده است. در نتیجه بحرانی طولانی مدت و لاعلاج بورژوازی در ایران و در نتیجه نقش و تاثیر جنبشهای انقلابی و وجود تعادل قوی فعلی در جامعه و در نتیجه نقش احزابی مانند حزب کمونیست گارگری، انتخاب آترنتیو چپ یا راست به مسئله روز و ضرورت دخیل شدن این تحولات در دستور جامعه ایران قرار گرفته است. این تحولات سرنوشت جامعه ایران را در دو جهت کاملاً متفاوت میتواند رقم بزند.

جنگ و یا ادامه محاصره اقتصادی و تغییر از بالا، سناریوهای مورد نظر بورژوازی و جریانات راست جامعه است. آمریکا و دول غرب همزمان با ادامه فشار به جمهوری اسلامی برای مهار کردن آن حربه

جنگ را هم در دست دارند. اگر جمهوری اسلامی کوتاه نیاید تشدید محاصره اقتصادی و امکان جنگ و بمباران و موشک باران ایران کاری است که در دستور اسرائیل و آمریکا و متحدینش قرار دارد. در چنین شرایطی شانس بورژوازی راست به کمک آمریکا بالا میرود. اما جامعه سالها طول میکشد که به حالت عادی و حتی شرایط فعلی برگردد. اما اگر جمهوری اسلامی کوتاه بیاید و نشانه های این کوتاه آمدن بیش از ادامه سیاست فعلی است، باز هم جامعه وارد فاز تازه ای میشود. در این حالت دوم مردم و احزاب و جنبشهای انقلابی امکان و فرصت اینرا خواهند داشت که مسیر حرکت تحولات سیاسی را به نفع خود بچرخانند. اما در حالت جنگ این امکانات قیچی میشود و آن هنگام باید به نسبت امکاناتی که موجود است مردم و احزاب سیاسی در شرایط پیچیده تر و سخت تری تلاش کنند جامعه را از بحران و جنگ نجات دهند.

اما جمهوری اسلامی ماهیتاً نمیتواند کوتاه بیاید. زیرا کل فلسفه این رژیم و جنبش اسلام سیاسی زیر سوال میرود. اما سران رژیم ابتدا تلاش میکنند که از تاکتیک کوتاه آمدن در مقابل آمریکا برای عبور از فشار فعلی استفاده کنند. ولی بعد از انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا و استفاده از مسئله زمان، جمهوری اسلامی بنا به ماهیتش باز هم راهی بجز مقابله با غرب و آمریکا برای خود متصور نیست. آن هنگام البته در یک فضای سیاسی متفاوت جمهوری اسلامی ناچار است جنگ بود و نبود خود را آغاز کند.

برای مقابله با چنین سناریویی و برای عبور جامعه از شرایط حساس فعلی تنها راه انقلابی و متمدانه سرنگونی جمهوری اسلامی به وسیله مردم آزادیخواه ایران است. این استراتژی سیاسی ما در مقابل جمهوری اسلامی بوده و هست. در شرایط فعلی و یا در حالت جنگ دو قطب، ما اولویتمان همین است. شرایط و امکانات فعالیت ما میتواند تغییر کند اما اولویت ما سر جای خود است. ما از سالها قبل همین سیاست را به روشنی اعلام کرده ایم و آنرا تا سرنگونی رژیم اسلامی ادامه خواهیم داد. با جنگ یا بدون جنگ اولویت ما و استراتژی ما در مقابل با رژیم اسلامی و تلاش برای سرنگونی آن تغییری نخواهد کرد.

سرنگونی این رژیم پیش شرط هر نوع تحول انقلابی در جامعه به نفع مردم ایران و کل جامعه بشری است. برای مقابله با جنگ شعار و خواست ما تنها علیه جنگ نیست. طرح این شعار به تنهایی که تا کنون از جانب جریانهای شاهدش بوده ایم، یک خواست بورژوازی و خواست جریانات چپ حاشیه ایست. این خواست همان خواست "صلح و دمکراسی" دوم خردادی ها است. خواست و شعار ما برای مقابله با جنگ تلاش برای سرنگونی جمهوری اسلامی و افشای سیاستهای امپریالیستی است. به همین دلیل نقش جبهه سوم و مردم متمد جهان در این استراتژی برای مقابله با جنگ و برای خلاص شدن از دست تروریسم اسلامی در کمک کردن و تقویت مبارزات مردم ایران از جایگاه مهمی برخوردار است. *

برگزاری میتینگ و نمایشگاه عکس در سالگرد ۱۸ تیر در آلمان

برمن

روز سه شنبه ۸ جولای میتینگ و نمایشگاه عکس در دانشگاه برمن برگزار شد. محوطه برگزاری نمایشگاه با پرچم های حزب، پلاکاردها و پوسترهای ویژه سالگرد ۱۸ تیر مزین شده بود. تعداد زیادی از دانشجویان ضمن دیدن کردن از میزکتاب پتیشن را امضا کرده و از خواستهای دانشجویان حمایت

کردند.

در ادامه این برنامه ژیلای حقگو و سیامک مکی کادریهای حزب در مورد ۱۸ تیر و اعتراضات و مبارزه آن سالها سخنرانی کردند. سخنرانی های کادریهای حزب توجه دانشجویان را بخود جلب کرد. تعداد زیادی از دانشجویان از فعالین حزب در باره ایران و مبارزات مردم ایران سوال کرده که فعالین و کادریهای

حزب به آنها پاسخ می دادند. همچنین اطلاعاتی های حزب و نشریات آلمانی به تعداد وسیعی پخش گردید. این برنامه که به مدت سه ساعت ادامه داشت توجه تعداد زیادی از دانشجویان و مردم را به خود جلب نمود.

کلن

در کلن روز سه شنبه ۸ جولای

نمایشگاه عکس و میز اطلاعاتی در مرکز شهر برگزار گردید. درمحوطه نمایشگاه میز کتاب پرچم حزب، پوسترها و پلاکاردهای زیادی نصب شده بود. تعداد قابل توجهی از مردم از این نمایشگاه و میز کتاب دیدن کرده و با کادریها و فعالین حزب پیرامون موضوع این نمایشگاه ۱۸ تیر و مسائل روز سیاسی ایران بحث

و گفتگو کردند. این برنامه به مدت نزدیک به دو ساعت ادامه داشت. اطلاعاتی های حزب و نشریه آلمانی وسیعاً در میان کدک پخش گردید. به ضمیمه گزارش تصویری این برنامه را ملاحظه می کنید.

تشکیلات خارج کشور

حزب کمونیست کارگری ایران-

آلمان

از صفحه ۱ چراغی که خاموش ...

همواره نیاز داریم که هر چه بیشتر درباره او بدانیم و راجع به او صحبت کنیم. آیا اهمیت منصور حکمت در این است که یک فعال سیاسی مخالف جمهوری اسلامی بود؟ خوب، شاید این موضوع بخودی خود مزیتی بحساب نیاید یا هیچ نوع برتری خاصی به کسی ندهد. نزدیک به هفتاد میلیون نفر در خود ایران با این حکومت مخالف اند و میلیون ها نفر هم در سراسر جهان با چنین حکومتی که واقعا بویی از انسانیت نبرده است، مخالف هستند.

آیا اهمیت منصور در این است که حزب درست کرده است؟ خوب، حزب هم کم نبوده است و حتی احزاب چپ، هم در تاریخ ایران و هم در تاریخ جهان کم درست نشده است! آیا ویژگی منصور حکمت در این بود که تمام عمر فعال اش را (از وقتی که خودش را شناخت تا آخر عمر اش) صرف فعالیت سیاسی کرد؟ این هم ویژگی منصور حکمت نیست! پس چه چیزی است که ما هر سال بیشتر از سال پیش، پی می بریم که حرف های ناگفته زیاد است و می شود راجع به منصور حکمت هر چه بیشتر حرف زد و معرفی اش کرد؟ چیست که چنین اهمیتی به آن می دهد؟ پاسخ را باید در دفاع روشن، شفاف و بی تخفیف او از انسان و انسانیت جست! در بلند کردن پرچم سوسیالیسم و کمونیسمی که اساس اش انسان و بازگرداندن اختیار به انسان است. اهمیت و ویژگی منصور حکمت در اینجا است.

اگر شما به همین بخش از ویدئوی سخنرانی او در کنگره سوم که در اینجا پخش شد توجه کرده باشید می بینید نکته اصلی همان است که در این فیلم گفت. "ما آدم هستیم، یکبار بدینا آمده ایم و حق داریم و باید آزاد زندگی کنیم. حق داریم یک زندگی انسانی داشته باشیم." این حرف فقط مربوط به ایران امروز یا تاریخ ایران در دوره معاصر نیست! مخصوص هیچ جامعه خاصی هم نیست. یک حقیقت ساده، روشن، پایه ای و به همین خاطر، جهانشمول است.

اعتراض منصور حکمت به این دنیا و به این وضعیت، از ایران جمهوری اسلامی و از آخوند ها شروع نشد! از حکومت شاهی هم

شروع نشد! از پیشرفته ترین جوامع صنعتی آژمان، از انگلیس، آمریکا و اروپایی که منصور حکمت جوانی اش را در آنجا بود، شروع شد. او به پیشرفته ترین جوامع سرمایه داری اعتراض داشت و می گفت این زندگی شایسته انسان نیست، این وضع باید زیور شود! شما سی سال کار می کنید، روزی هشت ساعت جان می کنید، از بسیاری از تفریحات و فعالیتهای ورزشی و هنری و تجربیات محروم میشوید، خلاقیتها و استعدادهایتان زیر فشار کار اجباری برای امرار معاش امکان بروز و شکوفایی پیدا نمیکنند و بعد هم که عمر فعالیتان به پایان میرسد مثل یک دستمال مصرف شده کنارتان می اندازند. اگر خیلی خوشبخت باشید، در جوامعی که اندک حق و حقوقی برسمیت می شناسند و قانونی حاکم است (مثل جوامع غربی)، یک حق بازنشستگی بخور و نمیر به شما میدهند که آن هم تازه بخشی است که از حقوق ایام اشتغالتان کسر کرده اند! اگر هم جامعه ایران باشد که از همین حقوق بخور و نمیر هم خبری نیست. دستمزد کارگر شاغل را نمیدهند، حق و حقوق کارگر بازنشسته و بیکار که جای خود دارد!

سؤال اینست که چرا آدم باید اسیر این شرایط باشد؟ چرا انسان باید برای زندگی کردن ناگزیر باشد مثل یک برده کار کند؟ چرا مردم دنیا حتی در جوامع صنعتی پیشرفته باید از دوشنبه ها، روز شروع کار هفتگی متنفر باشند؟ چرا کار کردن به یک اجبار زجرآور تبدیل شده است؟ چرا انسان باید نه برای خلاقیت، شکوفایی و ارتقای زندگی خودش و همگان، بلکه برای تأمین معاش و برای اینکه خود و خانواده اش زنده بمانند، کار کند؟ همانطور که کارگران در ایران اعلام کرده اند "ما زندگی نمیکنیم که کار کنیم، کار میکنیم که زندگی کنیم". و خود کار کردن اگر به یک فعالیت دواطلبانه و خلاقانه در جهت منافع کل جامعه تبدیل شود، جزء مهمی از یک زندگی انسانی خواهد بود.

اگر یک جامعه آزاد و انسانی داشته باشیم، آنوقت دیگر کسی ناگزیر نیست که فعال ترین و بهترین سال های عمرش و بهترین ساعت های روزش را بفروشد برای اینکه

بتواند زنده بماند. شما در جوامع موجود باید روزانه هشت ساعت به جایی بروید و مشغول فعالیتی بشوید که دوست ندارید! مجبورید بهترین ساعات عمرتان را پشت خط تولید، در کارگاه و کارخانه و یا در اداره و محل کار بگذرانید چون معاش خودتان و خانواده تان را به گرو گرفته اند! چه کسانی گرو گرفته اند؟ آنها که دست به سیاه و سفید نمی زنند! آنهايي که از قیل کار شما میلیاردر و مالتی میلیاردر شده اند. حال، چه آیت الله میلیاردر در ایران باشد و چه امثال "بیل گیتس" و سلاطین نفتی تگزاس در آمریکا و چه گردن کلفت های تمام کشورهای سرمایه داری غربی و تمام دنیا! و تراژدی و آن اجحاف و تبعیض فاحشی که - بقول منصور حکمت - هیچ آدم منصفی نمی پذیرد، در همینجاست! یک اقلیتی از جهان (که شاید ده درصد کل جمعیت دنیا هم نباشد)، دست به سیاه و سفید نمی زند و خودش و هفت نسل پشت اندر پشت اش لازم نیست کار کنند! به این دلیل ساده که دارند از قیل کار من و شما، از قبل کار آن نود درصد بقیه دنیا، زندگی شان را می گذرانند. اکثریت عظیم مردم دنیا باید از هیجده سالگی - در موارد زیادی از اولین سالهای کودکی - تا زمانی که هفتاد ساله می شود، روزانه هشت ساعت، علیرغم میل و خواست خودش کار کند تا اقلیتی هر روز فریه تر و ثروتمند تر شود!

ما زندگی نمی کنیم! عده ای از قبل کار ما دارند زندگی می کنند. یک زندگی انگلی. حتی برای کسی هم که دارد استثمار می کند و می خورد و می چاید انسانیتی باقی نمانده است!

کاری که منصور حکمت کرد، این بود که این نوع نقد و اعتراض عمیق به دنیا و این احترام عمیق برای انسان و انسانیت را، سیاسی کرد. برایش نیرو جمع کرد، جنبش اش را ساخت، حزب برایش درست کرد، برنامه اش را نوشت و یک عمر فعالیت و تلاش اش را گذاشت تا این درخت رشد کند، به ثمر بنشیند و بارور شود. حزبی برای فعالیت و اعتراض بردگان مزدی، حزبی برای همه انسانهای شریف و منصف. هر کس منصف باشد، این حزب، حزب اوست. هر کسی برای انسان ها حرمت قائل باشد، این حزب، حزب اوست و کمونیسم چیزی جز این

نیست. کمونیسم منصور حکمت چیزی جز این نبود.

می دانم! کمونیسم را پیچانده اند، تحریف و دفرمه اش کرده اند! کمونیسم شده است صنعت! تولید صنایع سنگین! تبدیل شده است به اینکه کشورهای عقب مانده دنیا به پای کشورهای پیشرفته برسند! کمونیسم شده "استقلال از بیگانه"! فرهنگ خردمان و آب و خاک مقدس خودمان! منصور حکمت اعلام کرد کمونیسم این نیست! نه به این خاطر که مارکس را خوب خوانده و فهمیده بود و دیگران خوب نخوانده بودند! بخاطر اینکه آن نقطه عزیمت و آن نقطه ای که با آن شروع کرده بود، یعنی احترام به انسان و انسانیت، به شرف انسانی، به حرمت انسانی و به آزادی و برابری را در آن جوامع خاکستری بلوک شرق و شوروی یا چین مائو و غیره و غیره نمی دید!

در برابر این نوع "کمونیسمها" اساس آن کمونیسم و آن سوسیالیسمی که منصور حکمت پرچمش را بلند کرد و برایش جنگید، انسان و انسانیت بود و این را شما در هر حرکت اش، سیاست اش، مقاله اش و در هر سخنرانی اش می بینید. شفاف، روشن و ساده. لازم نبود که شما حتماً تئورسیسین باشید، لازم نبود کتاب های زیادی خوانده یا حتماً اطلاعات سیاسی میداشتید تا می فهمیدید که حق با منصور حکمت است! می فهمیدید که درست می گوید! حتی در عمیق ترین و انتزاعی ترین بحث های نظری و باصطلاح پلمیک اش با مکاتب دیگر مدعی چپ، شما بروشنی می دیدید حق با اوست و او درست می گوید. چرا؟ چون رجوع می کند به انسانیت شما. رجوع نمی کند به تئوریهای شما، کتاب هایی که خوانده اید و یا به سابقه سیاسی گذشته شما و یا حتی به جهت گیریهای سیاسی امروز شما! کافی است که انسانیت تان فراموش نشده باشد و کافی است که هنوز این شمع در دل تان فروزان باشد تا حرف منصور حکمت به دلتان بنشیند.

نمونه های زنده ای از این منطق و مضمون انسانی بحثهای منصور حکمت را در همین سخنرانی که در اینجا پخش شد شنیدید. میگفت هر کسی که می خواهد خشونت نباشد، باید به حزب ما بپیوندد. او در دوره ای این حرف را می زد که تمام نیروهای راست و سلطنت طلب، دنیا

را بر کرده بودند از اینکه "انقلاب خشونت است! ما طرفدار تغییر و استحاله مسالمت آمیزیم! طرفدار نافرمانی مدنی و مبارزه بطریق متملن هستیم" و پاسخ منصور حکمت این بود که اگر صلح، مسالمت و آرامش می خواهید، باید همه آزادی را به مردم بدهید! نمی توانید ذره ای آزادی بدهید و جامعه را آرام کنید! نمی توانید فقط یک کمی در اختناق را بردارید! مردم اجازه نمی دهند! این جامعه دارد منفجر می شود! حزبی می تواند بدون خشونت و با کمال تمکن و انسانیت، این جامعه را آزاد کند که خود انسانیت برایش محترم باشد. حزبی که می خواهد همان شاه را (و اینبار مثلاً با تاج کمتر جواهر نشان) بازگرداند و یا کسی که تمام امر اش تقدس پرچم، تمامیت ارضی و خلیج فارس است، اینها، هیچکدام جواب انسانیت را نمی دهند و اینها هستند که دارند خشونت و یک سناریوی سیاه را برای جامعه تدارک می بینند! دانسته یا نا دانسته! اگر شما به حرف و رأی هفتاد میلیون انسان عمل نکنید و آزادی و برابری را نیارید، مجبور خواهید بود ارتش تان را وارد میدان کنید! سرکوب و بمب و موشک را بکار بگیرید تا بتوانید جامعه را آرام کنید. بروشنی دارید اینها می بینید که این جامعه زیر تیغ آخوند ها هم آرام نمی نشیند! می خواهید آخوند عمامه اش را کمی عقب تر بگذارند و یا تاج را بجای عمامه بر سر ایران بگذارند و جامعه هم قبول کند و ساکت شود؟! نمی شود! نمی توانید! کسی که نخواهد کل این وضعیت را از ریشه زیور رو کند ناگزیر است بگوید! کودتا کند! خون بریزد! این تمکن و مسالمت جوئی نیست عین خشونت و توحش است! این کاملاً روشن است! هر کسی ذره ای در این شرایط عمیق شود، بروشنی این را می بیند که تنها راه تمدنانه رهائی جامعه مبارزه پیگیر و بی تخفیف برای تحقق آزادی و برابری است. و این حقیقت امروز بیشتر از زمان منصور حکمت روشن شده است که اگر کسی خواهان یک "گذار انسانی" به یک جامعه آزاد و برابر است، باید به حزب منصور حکمت بپیوندد.

ویژگی منصور حکمت قبل از هر چیز در این بود که انسانیت و انسان دوستی را سیاسی کرد و چه فرق

از صفحه ۴ چراغی که خاموش ...

عظیمی هست میان این انسان دوستی با آن انسان دوستی خیرات مبراتی سازمانها و افرادی که غیر سیاسی بودن را جزء فضایل خود میدانند! آنها که دفاتر، نهادها و کانون های حقوق بشر و انجمنهای خیریه و غیره به راه می اندازند! اینها جواب نمی دهند! اینها ناگزیر جزئی از همین سیستم و همین نظام باقی می مانند و راه به جایی نمی برند. منصور حکمت بروشنی و در پاسخ به اینکه چرا باید سیاسی شویم و چرا حزب لازم داریم، می گوید می توانید بعنوان یک مصلح، زندگی بخشی از مردم را برای مدت موقتی تغییر بدهید، اما اگر می خواهید زندگی هفتاد میلیون انسان را، عمیقاً، بهتر کنید، و یک جامعه آزاد و برابر داشته باشید باید وارد مبارزه سیاسی شوید و قدرت سیاسی را بگیرید. گرفتن قدرت سیاسی برای حزب ما همانطور که منصور حکمت می گفت، عبور از تفسیر دنیا به تغییر دنیاست! شما هر اندازه که در اپوزیسیون فعال باشید، دارید دنیا را تحلیل و تفسیر می کنید! اما برای اینکه به ریشه دردها دست ببرید، زندگی ها را تغییر دهید و انسان ها را بطور واقعی آزاد کنید، می بایست قدرت سیاسی را بگیرید و منصور حکمت به همین دلیل وارد سیاست شد. به همین خاطر حزب درست کرد و به همین دلیل مدام تأکید میکرد این یک حزب سیاسی است که می خواهد از جانب کارگران، از جانب مردم آزادیخواه و از طرف تمامی انسان های شریف و منصف، قدرت سیاسی را بگیرد و جامعه را آزاد و برابر سازد. بنظر من، اهمیت ویژگی

منصور حکمت، در انسانیت اش بود و در اینکه این انسانیت را به سیاست آورد و به آن تحزب داد. یک نمونه کوچک این تلاش اش، دفاع از حقوق کودکان بود. هم اکنون دیگر در ایران روز جهانی کودک را در سطح وسیعی جشن می گیرند. این حرکت از پنج یا شش سال پیش و از همان سال درگذشت منصور حکمت از کردستان و با جشن آدم برفی ها شروع شد و دیدیم که در سالهای بعد، در تهران، اصفهان، شیراز و شهرهای دیگر هم پا گرفت و گسترده شد. قبل از پاگرفتن این جنبش بود که منصور حکمت سازمان "اول کودکان" را درست کرد. بیانیه اش را نوشت و اعلام کرد "کودکان مقدم اند". اعلام کرد که هیچ هدفی بر منفعت کودکان، بر حقوق کودکان، بر ایجاد یک زندگی انسانی برای کودکان، ارجحیت ندارد. هیچ هدفی! و تا جایی که من با تاریخ ایران و دنیا آشنا هستم، این نخستین بار است که دفاع از حقوق کودک، به این شکل سیاسی و وسیع مطرح شده است. امروز روز کودک در جامعه اختناق زده و مذهب زده ای مثل ایران، از جانب مردم و فعالین جنبش دفاع از کودکان بزرگ داشته می شود. خوب، حقوق کودک را در جاهای دیگر دنیا هم جشن می گیرند اما، همان خیرات مبراتی ها! همان باصطلاح مصلحین دفاع از حقوق بشر که میخواهند به سیاست "آلوده" نشوند! در سوئد یا کانادا هم این روز جشن گرفته می شود و در جاهای دیگر دنیا هم! اما هیچ کس دست به ریشه مسئله نمی برد! ولی وقتی مردم ایران برای اولین بار (اگر اشتباه نکنم سه سال پیش در تهران) روز جهانی

کودک را جشن گرفتند، شعار محوری شان این بود که برای آزادی کودکان، باید این دنیای وارونه را تغییر داد! زیر و رویش کرد! پیشتاز این جنبش دفاع از حقوق کودک در ایران منصور حکمت است. منصور حکمت می دانست که برای رسیدن به آزادی، باید ظلم، تعدی و تبعیض را از ریشه خشکاند و بقول مارکس، رادیکالیسم یعنی دست به ریشه بردن و برای انسان ریشه خود انسان است. منصور حکمت هم دست به انسانیت برد برای اینکه بتواند این وضعیت را از ریشه تغییر دهد و بنظر من، تمام بزرگی، اهمیت و نقش تعیین کننده ای که منصور حکمت داشت، در همینجا نهفته است. در خاتمه، می خواهم کمی شخصی تر هم راجع به منصور حکمت و رابطه ای که با او داشتم صحبت کنم و بگویم من شخصاً چه چیزی را با رفتن منصور حکمت از دست داده ام. در این شش سال (بعد از مرگ منصور حکمت)، من در سخنرانیهایی که در یادبود او داشتم به این جنبه نپرداختم اما امسال فکر کردم که آترا با شما شریک شوم. منصور حکمت، از زمان جوانی و آنوقت که پا به عرصه سیاست گذاردم، دوست نزدیک من بود. ما فعالیت سیاسی مان را با هم شروع کردیم اما باید بگویم که منصور حکمت برای من بسیار فراتر از منصور حکمت سیاسی بود! شما می توانستید این انسانیتی را که به آن اشاره کردم، قبل از هر چیز، در رفتار او با اطرافیان اش ببینید. یکبار مسحور بچه چهار ساله ای شد که به همراه مادرش از خیابان رد میشد. چشم از او برنمیداشت. نگران بود که نکند مادرش خوب مواظب

نباشد و بچه زیر ماشین برود. من این عشق عمیق به بچه ها را بارها در او دیده بودم. وقتی خبر سیل یا زلزله ای را در فلان گوشه دنیا می شنید می پرسید که با این فجایع چه باید کرد؟ یکبار بمن گفت انسان ها دارند مثل پشه له می شوند و همه تقصیرها را به گردن طبیعت می اندازند! اگر یک جامعه انسانی داشتیم براحتی میشد جلوی این فجایع را گرفت. هر زمان که رفقا و دوستانش را می دید، با آنها می نشست و از زندگی و مسائل و مشکلاتشان می پرسید. با چنان دقت و وسواسی نگران سلامتی دیگران بود که خود آن فرد نبود! انسانیت برای او، یک مقوله انتزاعی سیاسی نبود. قبل از هر چیز، این انسانیت در عشق به آدم هایی که در اطراف اش می دید یا حتی نمی دید و در اخبار راجع به آنها می شنید، خودش را نشان می داد. این انسانیت عمیق جزئی از شخصیت اش بود که من در کمتر کسی این جنبه را سراغ دارم. یکی از خوشبختی های من این بود که با چنین آدمی آشنا شدم. با چنین آدمی آشنا شدن و با او فعالیت سیاسی را شروع کردن، می تواند برتری و امتیازی باشد که من به آن افتخار میکنم. با رفتن منصور حکمت، برای من، یک چراغ خاموش شد! منصور حکمت به دید شما از جامعه، حوادث و اتفاقات ابعادی می بخشید که بدون او، دیگر نمی توان آن ابعاد را دید! منظوم فقط در سیاست نیست. در علم و هنر و فلسفه و همه جنبه های زندگی است. وقتی داشتیم فیلمی می دیدیم، موسیقی کوتاهی گوش می کردیم، یا اخباری را می شنیدیم، ابعادی از مساله را میدید

که بدون او شما تا آن اندازه عمیق نمی شدید و به کنه مساله نمی رسیدید. آن اشرف را پیدا نمی کردید و از آن تسلط و دید عمیق و زیر و رو کننده محروم می شدید. وقتی منصور حکمت در بستر بیماری بود برایش نوشتم زنده بمان! بدون تو چراغی خاموش میشود! دنیا تاریک تر میشود! من این را عمیقاً حس میکردم و در این شش سال این احساس همیشه با من بوده است. خوب، در عالم سیاست، در حزب پیش رفتیم. کارمان را کردیم و تلاش کردیم آرزوهایی را که داشت (نظیر اینکه این حزب معرفی شود و در دسترس مردم قرار بگیرد، تلویزیون داشته باشد تا بتواند بطور مستقیم با مردم حرف بزند و غیره و غیره)، متحقق کنیم. این حزب، پیش آمده و پیشروی کرده است و در اینجا نیست که من حس می کنم این چراغ خاموش شده است. هر چند، اگر منصور حکمت بود، این دستاوردها و پیشروی ها هم خیلی گسترده تر میبود. با اینحال، در اینجا نیست که من غیبت منصور حکمت را حس میکنم. زمانی که خبری را می شنوم، فیلمی را نگاه می کنم، به آهنگی گوش میدهم و یا کودکی را می بینم که با مادرش از خیابان رد می شود یا خودم می اندیشم که اگر ژوبین بود، الان چه می گفت؟ چه می دید و چه می شنید که من دیگر نمی بینم! که من دیگر نمی شنوم! این احساس همیشه با من خواهد بود. *

این مطلب را هادی وقتی پیاده و تایپ کرده است.

اطلاعیه برگزاری جلسه کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

قدردانی میکند.

کمیته خارج انتخاب شدند.

بدان پرداخته شد.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران ۸ ژوئیه ۲۰۰۸

کمیته خارج انتخاب شدند. بدینوسیله تشکیلات خارج کشور حزب از زحمات بیدریغ خلیل کیوان که تاکنون و طی چند سال متمادی بعنوان دبیر تشکیلات انجام وظیفه کرده است، صمیمانه

در این جلسه حسن صالحی و محبوبه سیاهمردی به ترتیب بعنوان دبیر و خزانه دار و میتر دانسی، محمد شکوهی و نازنین برومند بعنوان دیگر اعضای هیئت اجرایی

تشکیلات خارج کشور حزب اختصاص داشت. طرح تشکیل چند کمیسیون در زمینه آموزش، مالی، تبلیغات و همچنین راه اندازی دبیرخانه تشکیلات خارج کشور حزب از جمله موضوعاتی بود که

جلسه کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران با شرکت اکثریت اعضای آن در روز ۳۰ ژوئن ۲۰۰۸ برگزار شد. این جلسه عمدتاً به آرایش رهبری برای پیشبرد موثر مصوبات دومین کنفرانس

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱ در باره شوای ملی صلح ...

رنجه کرده و سخنگوی این شورا شده اند. همه شان یکصدا می گویند "صلح در مقابل جنگ"، "صلح برای تنش زدایی" و "صلح در مقابل انحصار"؛ و منتظری و حجابیان و امینی از این شورا حمایت کرده اند. آیا شما از شنیدن این خبر به وجد آمده اید و منتظر یک تحول سیاسی مهم در ایران هستید!!!

مصطفی صابری: نه ابا چنین نیست. من نمی دانم این تصویری که شما دادید را چه کسی باور می کند؟ شاید خودشان این چنین بگویند، ولی این افرادی که اینجا جمع شده اند دلشان خوش است. شعور سیاسی مردم را دست کم گرفته اند. حجابیان که در راس سازمان اطلاعات امنیت جمهوری اسلامی بوده و آن را بنیاد گذاشته و دستش به خون هزاران نفر آغشته است شده سمبل صلح و دموکراسی خواهی؟! چه کسی باور می کند که مثلا منتظری بشود نماینده صلح خواهی و دموکراسی طلبی؟! به نظر من این ها خیلی خام اندیش هستند.

چطور می شود برای دفاع از صلح و دموکراسی از جمهوری اسلامی دفاع کرد؟ یک منشا سرکوب و اختناق و به رسمیت نشناختن حقوق انسان ها جمهوری اسلامی است. اینکه خطر جنگ مردم ایران را تهدید می کند دلیل عمده اش اینست که جمهوری اسلامی سرکار است. مردم ایران برای اینکه خطر جنگ را بر طرف بکنند باید قبل از هر چیزی جمهوری اسلامی را سرنگون بکنند. بنا بر این کسی که در لافه دفاع از دموکراسی و صلح از جمهوری اسلامی دفاع می کند نه یک ذره به آزادی های سیاسی متعهد است و نه به صلح. در واقع دارد عملاً آتش جنگ احتمالی را می افروزد و از سرکوب و اختناق دفاع می کند.

کیوان جاوید: فکر نمی کنید بگویند شما به خاطر اختلاف سیاسی است که تلاش این ها را نادیده می گیرید؟ بالاخره این ها دارند می گویند ما تعریف جدیدی از صلح داریم. اینها می گویند صلح فقط این نیست که جنگ نباشد. صلح

یعنی اینکه مردم در شرایط بهتری زندگی کنند حقوق بشر رعایت شود و آزادی بیان و قلم و غیره باشد. آیا فکر نمی کنید این یک قدم مثبتی باشد؟ در شرایطی که در جمهوری اسلامی می خواهند یک رفرم بیاورند. می پرسند آیا مخالفت شما با اینها از سر مخالفت سازسانی شما با این ها نیست؟

مصطفی صابری: نه من اینجا کاری به حزب و سازمان ندارم. اگر کسی یک ذره صداقت (در تغییر واقعی زندگی مردم) داشته باشد حزب ما همیشه ازش دفاع کرده است. ولی این ها دوباره می خواهند یک موجود مرده به نام دوم خرداد را زنده کنند. اینها دارند حرف های خاتمی را این دفعه از به اصطلاح اپوزیسیون می زنند. همان حرف هایی را که هفت هشت سال مردم شنیدند و تجربه کردند و ازش عبور کردند، اینها دارند یک جور دیگری تکرار می کنند و می خواهند دوباره به خورد مردم بدهند. ما قبلاً هم شنیده بودیم خاتمی گاندی ایران است و خاتمی گل یاس است و... خیلی بیشترش را شنیده بودیم که مردم ازش عبور کردند. همین ۱۸ تیر را دیدیم که مردم گفتند آزادی اندیشه با ریش و پشم نمی شه. پس این فقط حرف من نیست. حالا از مردمی که شعار دادند آزادی اندیشه با ریش و پشم نمی شه انتظار دارید این حرف ها را از این خانم ها و آقایان قبول کنند؟ این حرف که بله جمهوری اسلامی را کمی مهربان تر کنیم و سازگارش کنیم با صلح و دموکراسی؟! این دیگر ربطی به احزاب و سازمان ها ندارد. هر کسی در آن مملکت راه برود می فهمد این حرف ها دروغ و فریبکاریست. به خاطر همین همان اول گفتم چه کسی این حرف ها را باور می کند؟

کیوان جاوید: اگر به شما بگویند که خطر جنگ بالای سر مردم است و اثر تحریم ها را همه در زندگی مردم می بینند و جمهوری اسلامی هم سرکار است. حالا یک کسی آمده می گوید صلح باشد و صلح را اینجوری ترجمه می کند که آزادی بیان باشد و آزادی اجتماعات باشد و شما می گویند

این ها همان خاتمی سابق است. به شما خواهند گفت: باشد از جنگ و تحریم اقتصادی می بهتر است.

مصطفی صابری: شما می گویند صلح باشد، منم قبول دارم، دموکراسی باشد من هم قبول دارم. جنگ و تحریم اقتصادی هم بد است. ولی نکته ای که هست این است که اگر می خواهید صلح باشد، آزادی بیان باشد، اگر می خواهید آزادی اجتماعات باشد و اعدام و سنگسار نباشد، حجاب لغو شود، اگر همه این ها را می خواهید قبل از هر چیزی باید بخواهید که جمهوری اسلامی گوش را گم کند برود.

کیوان جاوید: شاید بگویند زورشان نمی رسد؟

مصطفی صابری: نه به این دلیل نیست. همین ها اگر راست می گویند بیایند بگویند حجاب را بردارید. فعلاً لازم نیست از صلح و دموکراسی دفاع کنند. فقط خواهان برداشتن حجاب شوند. خیلی کارهای ساده تری هست که اینها نمی خواهند بکنند. حداکثر کار اینها این است که بگویند جمهوری اسلامی با دموکراسی همساز است و اسلام با حقوق بشر منافاتی ندارد. این همه حرف خانم عبادیست که به خاطرش جایزه نوبل گرفت. چرا که تصویر یک زن اسلامی حقوق بشری می خواست به دنیا بدهد و غرب هم ازش دفاع کرد. همانطور که از خاتمی و طرح گفتگوی تمدن هایش دفاع کرد که همین جمهوری اسلامی را به خورد مردم بدهند. که بگویند مردم این جمهوری اسلامی نوع خاتمی یک ذره بهتر هست و با حقوق بشر و دموکراسی سازگار است و به آن رضایت بدهید.

کیوان جاوید: آیا فکر نمی کنید که وقتی با آوردن یک آخوند لبخند به لب مردم را ۸ سال سردوانند، حالا هم مردم بگویند با این ها می توانیم از خطر جنگ خلاص بشویم؟ حالا می دانیم که حجابیان آدم کش است و منتظری از روسای حکومت بوده ولی با این ها حداقل ۵ سال از خطر جنگ راحت می شویم. نمی توانند این جواری سر مردم را شیره بمانند؟ **مصطفی صابری:** هرگز! مردم از این حرف ها عبور کرده اند. به همین

تلفن های مردم به کانال جدید توجه کنید، مردم به درست و نه از سر نفرت و کینه و غیظ، بلکه راه را شناخته اند و می خواهند جمهوری اسلامی را سرنگون کنند. مردم می دانند اگر صلح می خواهند قبل از هر چیزی جمهوری اسلامی باید برود. اگر می خواهند آزادی بیان و برابری زن و مرد بر قرار باشد جمهوری اسلامی باید برود. اگر کارگر می خواهد حقوقش را بگیرد و بهداشت برقرار باشد و آموزش رایگان باشد، قبل از هر چیزی جمهوری اسلامی باید برود. مردم این را از خیلی پیش تر از این می دانستند و ۱۸ تیر را علیه خاتمی و دوخرد راه انداختند. حالا در سالگرد ۱۸ تیر یک عده می خواهند همان حرف های دوم خرداد را به نام صلح و دموکراسی علم بکنند؟ اگر نگویم شارلاتان هستند باید بگویم خوش خیالند.

کیوان جاوید: ولی این ها امکانات خوبی دارند و رسانه ها ازشان حمایت کرده اند. از جمله جودی ویلیامز به اینها پیام داده و قرار است در آمریکا با این شورای صلح همکاری بکنند. و همچنین موسسه زنان نویلیست از برمه، کنیا، ایرلند و گواتمالا و آمریکا از اینها حمایت کرده. آیا فکر نمی کنید توجه جهانی که این ها کسب کرده اند در ایران هم مقبولیتی حداقل در سطح داخل حکومت کسب کنند و یک نیروی دوگانه در مقابل احملمی نژاد و دار و دسته اش به وجود بیاورند؟

مصطفی صابری: نه به نظر من چنین اتفاقی هم نمی افتد. چرا که خاتمی خیلی بیشتر از این ها مورد توجه غرب قرار گرفت. بردنش سازمان ملل، گفتگوی تمدن ها برایش راه انداختند و CNN او مصاحبه کرد. کنفرانس برلین راه انداختند که بتواند کل اپوزیسیون خارج و دنیا را بکشاند پشت خاتمی. که حزب کمونیست کارگری و مردم اجازه ندادند. خلاصه کلی حمایت های جهانی از خاتمی کردند که گویا آخوندی که لبخند می زند خوب است. مردم نپذیرفتند. مردم جای دیگری ایستاده اند. مردم حزب کمونیست کارگری را می خواهند. مردم آزادی و برابری و رفاه می خواهند. مردم می خواهند از شر

جمهوری اسلامی خلاص شوند. مردم می دانند منشا خطر جنگ و سرکوب و فقر در آن مملکت جمهوری اسلامی است. هر کس بخواهد از جمهوری اسلامی دفاع کند از آمریکا گرفته تا اینها به نظر من کلاهش پس معرکه است. مردم قبولشان نمی کنند و کار خودشان را می کنند. جمهوری اسلامی باید برود. امثال خانم عبادی تا دیر نشده باید این را بفهمند.

کیوان جاوید: شما گفتید مردم حزب کمونیست کارگری را انتخاب کرده اند. از کجا می دانید؟ آماری دارید؟ و اگر اینطور است چرا جمهوری اسلامی هنوز بر سر کار است؟

مصطفی صابری: آمار ندارم، ولی وقتی مردم شعار می دهند "معیشت و منزلت حق مسلم ماست" از چه دارند می گویند؟ آن چیزی را می گویند که حزب کمونیست کارگری می گوید. در هفت تپه و معلم ها می گویند. مردم آزادی و رفاه را می خواهند و آن چیزی ست که حزب ما می گوید. من از اینکه حزب را به طور اخص می خواهند هنوز چیزی نگفته ام، بلکه منظورم این بود که این مطالبات را مطرح می کنند که حزب مطرح می کند. به علاوه از جمله به یمن همین کانال جدید داریم می بینیم که مردم چه طور روز به روز بیشتر دارند می آیند به سمت حزب کمونیست کارگری و باید بیشتر بیایند. علت اینکه جمهوری اسلامی هنوز بر سر کار است و هنوز این وضع برقرار است و مردم نمی توانند جمهوری اسلامی را ببیندازند این است که مردم هنوز به اندازه کافی حول حزب کمونیست کارگری متحد و متشکل نشده اند. باید برویم این کار را بکنیم. به جای اینکه وقتمان را تلف امثال شیرین عبادی و این جماعت کنیم، باید حول پرچم حزب کمونیست کارگری متحد شویم و صلح و آزادی سوسیالیسم را در ایران برقرار کنیم.

کیوان جاوید: ممنون از اینکه در این برنامه شرکت کردید.

مصطفی صابری: خیلی متشکر.* این متن را نوید مینائی پیاده و تایپ کرده است.

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از میان سؤالات جلسات هفتگی حمید تقوایی

آیا در پیوستن به حزب عقاید افراد مهم است؟ چرا باید اقشار میانی به حزب پیوندند؟

جمشید هادیان: همانطور که پیشگفتار صحبت امروزتان بود یعنی چه باید کرد تا از شر این رژیم خلاص شد و از تمام بدبختی‌هایی که سرمایه داری سر انسانها میآورد راحت شد، بقول خودتان يك جواب ساده و دقیقش اینست که مردم به حزب پیوندند، و شما هم در صحبتهایتان این پیوستن به حزب را توضیح دادید و يك لیست مفصل و بلند بالایی از مجموعه کارهایی که هر کسی خودش در پیوستن به حزب میتواند انجام دهد را مطرح کردید. اکنون خواهش من اینست که شما این لیست را یکبار دیگر تکرار کنید تا شاید بخشی از بینندگان و شنوندگان کانال جدید که از ابتدا پای برنامه نبودند بشنوند.

اما سوال مشخص من اینست که این پیوستن به حزب تاجایی که به عقیده و فکر افراد برمیگردد معنیش چیست؟ منظور مشخص من اینست که آیا افراد قبل از اینکه به حزب پیوندند لازمه اش اینست که کمونیست شوند و یا اینکه يك انسان مذهبی معتقد به خداهم میتواند عضو حزب شود؟

و سوال دیگری هم که در مورد اقشار خرده بورژوا دارم، در جوامعی مثل ایران قشر عظیمی از جمعیت خرده بورژواست و تا آنجایی که به طبقه برمیگردد جامعه این درجه قطبی نشده است یعنی بین طبقه کارگر و سرمایه دار اقشار میانی هستند و اینها در انقلاب نقش بسیار مهمی ایفا میکنند، میخواستم ببینم که آیا شیوه برخورد حزب کمونیست کارگری ایران به این اقشار میانی خرده بورژوا چی و چگونه است؟ این قشر متوسط را به چه امری دعوت میکنید؟ آیا این قشر متوسط را هم به پیوستن به حزب دعوت میکنید؟ و اساسا چرا باید این اقشار به حزب پیوندند بخاطر اینکه اینها که کارگر نیستند و چرا

تك اقدامات عملیش معلوم است که امر دفاع از انسانیت و امر مبارزه با سرمایه داری و علیه هر نوع تبعیضی که در این جوامع بشری هست محور اصلی اهداف و سیاستهای حزب است و این خودش را در تمامی کارهای روزانه حزب کاملا نشان میدهد. بنابراین کسی که میخواهد بلند شود و کاری بکند، کسی که برنامه های کانال جدید را دنبال میکند و تلفن میزند و نظرش را میگوید و در مقابل این حزب این سوال را میگذارد که چه باید بکنیم، به اندازه کافی با نقد و اعتراض حزب آشنا هست، و شعارها و سیاستهای حزب را لااقل در آن عرصه معینی که مورد اعتراض خود او هم هست میشناسد و قبول دارد. برای شروع کار حزبی همین اندازه آشنائی با برنامه و سیاستهای حزب کافی است.

حال اینکه این شخص چه عقیده و فکری دارد و آیا خود را کمونیست میداند یا نه، آیا نماز میخواند یا نه، آیا عقایدش راجع به مسائل مختلفی چون هنر و طبیعت و موضوعهای مختلف اجتماعی چی هست و چی نیست همه اینها دیگر کاملا نقش فرعی را بازی میکنند. کسی که با هر عقیده ای از این دنیا ناراضی هست و بخاطر امیال انسانی خودش و بخاطر بهبود وضع جامعه ای که در آن زندگی میکند به این نتیجه میرسد که برای زیر و رو کردن این دنیا باید بلند شود و کاری بکند، بنظر من جای این انسانها در حزب کمونیست کارگری است. ما هیچ پیش شرط دیگری نداریم، ما مذهبهاست که اعلام کرده ایم که کسانی عضو ما هستند که خودشان را حزبی بدانند. البته این به این معنی نیست که پیوستن به حزب صرفا مربوط به ارادت قلبی است و هر کسی که در قلبش بگوید که من عضو حزبم پس او عضو حزب است! نه! این مرحله هم حتما اتفاق میافتد اما برای شروع این کافی نیست بلکه هر کس به این نتیجه رسیده باشد که علیه نابرابریها و مصائب و ستمهای موجود باید به حزب نزدیک شود و کاری بکند آنجاست که این شخص دیگر حزبی است. و اساس حزبیست همین است.

اما قبل از اینکه مشخصا در مورد کارهایی که میتوان کرد بیشتر توضیح بدهم اجازه بدهید به سؤالی که راجع به اقشار میانی

جامعه کردید بپردازم. اقشار میانی یعنی اقشار غیر کارگر و غیر سرمایه دار و بقول شما بسیاری افراد جامعه از این اقشار هستند.

بگذارید ابتدا اینرا روشن کنم که در جامعه ای که قطبی شده باشد و حزبی مثل ما پرچم سوسیالیسم و انسانیت را بلند کرده باشد آنموقع کاملا این امکان و احتمال وجود دارد که اکثریت مردم به طبقه کارگر و حزبی پیوندند. چرا که اکثریت مردم منفعتی در حفظ استثمار ندارند.

معمولا به مردم غیر کارگر و غیر سرمایه دار خرده بورژوا میگویند اما اجازه بدهید کمی در این مفهوم دقیق بشویم. معنی اقتصادی طبقه سرمایه دار چیزی جز این نیست که شما مالک ابزار تولید باشید و عده ای را استثمار بکنید، یعنی برایتان کار کنند و شما هم سود ببرید. و کارگر هم کسی است که مالک هیچ ابزار تولیدی نیست و برای گذران زندگی اش ناگزیر باید نیروی کارش را بفروشد. خرده بورژوا به معنی کلاسیک کلمه صاحبان کارگاههای کوچک و مغازه داران خرد و امثالهم هستند که خود هم کار میکنند و هم سرمایه کوچکی دارند. بخش دیگری از اقشار میانی کارمندان دولتی و غیر دولتی و کارکنانی هستند که از قبل کارشان - حال ممکن است که این کار در کارخانه و در مزرعه نباشد و یا کار تولیدی مستقیم نباشد - گذران میکنند.

در هر حال اقشار میانی جامعه چه به معنی کارمندان و کارکنان و چه به معنی مالکین خرد مستقیمی منفعتی در حفظ استثمار و سودآوری سرمایه داری ندارند و لذا این اقشار در صورتیکه طبقه کارگر در سیاست نمایندگی شود بالقوه میتوانند به طبقه کارگر پیوندند.

میگویم بالقوه بخاطر آنکه جهتگیری سیاسی اینان بستگی دارد به اینکه حضور سیاسی طبقه کارگر در جامعه چقدر برجسته باشد و بخصوص اینکه مضمون و اهداف انسانی شعارها و اهداف و سیاستها حزب کارگری چقدر در جامعه معرفه و شناخته شده باشد. اگر سوسیالیسم و آرمانهای انسانی سوسیالیستی شکل تحزب گرفته باشند و حزبی مثل حزب کمونیست کارگری وجود داشته باشد که آنها را نمایندگی کند آنوقت بنظر من این اقشار به حزب و

مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه داری خواهند پیوست. البته عکس این قضیه هم صادق است. یعنی در صورتی که طبقه کارگر ضعیف باشد و نیروهای ارتجاعی قوی باشند آنموقع این اقشار میانی به آن سمت خواهند رفت. بطوری که در انقلاب ۵۷ هم دیدیم که با پرچی که خمینی بلند کرد خیلی از اقشار میانی را بطرف خودش کشید چرا که طبقه کارگر ایران در سطح مبارزه سیاسی و حزبی بسیار ضعیف بود و حضور نداشت، بنابراین اقشار میانی این خصلت را دارند که بسته به این که در عرصه سیاسی کدام قطب سرمایه دار یا کارگر قویتر باشد به آن متمایل بشوند چراکه نه مستقیما استثمار میشوند و نه در استثمار نقش مستقیم دارند.

اما همانطور که در ابتدا گفتیم به نظر من برای رجوع به مردم و فراخواندن مردم لزومی ندارد وارد لایه شناسی خرده بورژوازی و اقشار میانی بشویم. زمانی که ما در يك سطح عمومی راجع به مردم صحبت میکنیم بنظر من هر کسی که خودش صاحب ابزار تولید نیست و در هر سطحی کار میکند حالا ممکن است که جامعه او را کارگر خطاب کند یا به او کارمند بگوید، همه اینها منفعتی در سودآوری سرمایه ندارند و بنابراین میتوانند به صف طبقه کارگر و به صف سوسیالیسم ملحق شوند. حزب ما زمانی که به انسانیت اتکا میکند و اعلام میکند که اساس سوسیالیسم انسان است بنظر زمینه را فراهم میکند که نود درصد جامعه خود را متعلق به این مبارزه و این جنبش ببیند و حزب کمونیست کارگری را انتخاب کند. چراکه نود درصد جامعه مالک ابزار تولید نیست و در استثمار و سود سرمایه سهمی ندارند.

در بخش آخر صحبتیم خیلی خلاصه به سئوال شما در مورد فعالیتهای مشخصی که با پیوستن به حزب میتوان انجام داد میپردازم. وقتی ما میگوییم به حزب کمونیست کارگری پیوندید یعنی در جهت اهداف و آرمانهای انسانی خودتان دست بعمل سیاسی بزنید. این کار از جمع آوری کمکهای مالی برای تلویزیون کانال جدید گرفته تا چاپ و پرنیت کردن نشریات حزب که روی سایتها می بینید، تا تشکیل

اعتصاب کارگران ایران خودرو با وعده مسئولین این شرکت به تحقق برخی از خواسته‌های کارگران، موقتا پایان یافت

بخشهایی از کارگران نیشکر هفت تپه بار دیگر دست به اعتصاب زدند

میکنند و کارگران را به اتحاد هرچه بیشتر برای تحقق کلیه مطالباتشان فرامیخواند. حزب از همه مراکز کارگری و مردم آزادیخواه در سراسر کشور میخواند که این مبارزات را تنها نگذارند و به هر شکل که میتوانند از مبارزات یکدیگر حمایت کنند. تنها با شکل دادن به همبستگی وسیع و گسترده میتوان کارفرمایان و دولت سرکوبگر و جنایتکارشان را به عقب راند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۷ ژوئیه ۲۰۰۸، ۱۷ تیرماه ۱۳۸۷

گیری که ۵۰ تا ۶۰ نفر هستند و نیز کارگران قسمت کوره بخار گازگیری که اینها نیز ۵۰ تا ۶۰ نفر میباشند امروز بدلیل عدم تحقق خواسته‌های کارگران از جمله پرداختن پنج ماه حقوق معوقه دست به اعتصاب زدند. بخش آسیاب و کشاورزی نیز بدلیل اعتصاب در این دو بخش عملا تعطیل شد و بدین ترتیب کل شرکت نیشکر به حالت نیمه تعطیل درآمد. شفيعی مدیر عامل نیشکر هفت تپه که تاکنون به هیچکدام از وعده‌های خود عمل نکرده است، دو روز دیگر از کارگران مهلت خواست. کارگران اعلام کردند که چنانچه تا روز چهارشنبه به خواسته‌هایشان پاسخ داده نشود بار دیگر اعتصاب بزرگ خود را شروع خواهند کرد.

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از خواسته‌ها و مبارزات کارگران ایران خودرو و نیشکر هفت تپه حمایت

ناروشنی و عدم صراحت آنها، هیچگونه ضمانت اجرائی ندارد. کارگران ایران خودرو در این اعتصاب گوشه‌ای از قدرت خود را به نمایش گذاشتند و عزم و اعتماد بنفس آنها برای تداوم مبارزه افزایش یافته است. کارگران عقب نشینی کارفرما را یک موفقیت برای خود میدانند و پیگیری میکنند که اجرای این وعده‌ها را پیگیری میکنند و چنانچه خواسته‌هایشان متحقق نشود مجددا دست به اعتراض و اعتصاب خواهیم زد.

اعتصاب در نیشکر هفت تپه:
کارگران دو واحد نیشکر هفت تپه نیز با پایان مهلتی که به کارفرما داده بودند، امروز دوشنبه دست به اعتصاب زدند و سایر بخش‌ها نیز بدنبال اعتصاب این دو قسمت عملا بیکار شدند. کارگران قسمت شربت

خواسته‌های خود نرسند، اعتصاب را مجددا شروع خواهند کرد.

آنچه باقرب وعده داده است، گوشه کوچکی از خواسته‌های کارگران است. کارگران خواهان افزایش دستمزد متناسب با قیمت‌ها، افزایش بهره‌وری، آزادی تشکّل، اخراج حراست، لغو اضافه کاری اجباری و برداشتن سقف اضافه کاری عادی، لغو قراردادهای موقت و استخدام رسمی کارگران، جلوگیری از گسترش شرکت‌های پیمانکاری و انتقال کارگران آن به خود شرکت ایران خودرو، شرکت نمایندگان کارگران در کمیته مشاغل طبقه بندی، شرکت نمایندگان کارگران در کمیته تشخیص کارهای سخت و زیان آور، کاهش فشار کاری از طریق استخدام نیروهای جدید هستند. اما حتی همین حد از خواسته‌هایی که باقرب قول تحقق آنها را داده است، علاوه بر

اعتراض ۱۰۰۰۰ کارگر ایران خودرو که از اوایل هفته گذشته شروع شده و در روز دوشنبه ۱۰ تیرماه به اوج خود رسیده بود، بدنبال وعده باقرب جوازانی معاون مدیر منابع انسانی شرکت ایران خودرو مبنی بر برآوردن کردن گوشه‌هایی از خواسته‌های کارگران موقتا پایان یافت. باقرب در گفتگو با نشریه کارآمد در روز شنبه ۱۵ تیرماه اعلام کرده است که از اول مهرماه دستمزد ده هزار نفر از کارگران با رفع محدودیت در ارتقای بودجه مربوط به افزایش درآمد کارگران، افزایش خواهد یافت، اضافه کاری اجباری روزهای جمعه لغو خواهد شد و مدارک مازاد کارگران پذیرفته خواهد شد. بدنبال این مصاحبه کارگران به اعتراض خود پایان دادند اما میگویند چنانچه مسئولین ایران خودرو به قول‌های خود رسیدگی نکنند و کارگران به

اعتراض کارگران به دستمزدهای پرداخت نشده

کارگران صنایع فلزی "سازه‌های سنگین" مازندران و چینی رویال سمنان دست به اعتراض زدند

خواست‌های بحق کارگران فرامی خواند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۷ ژوئیه ۲۰۰۸، ۱۷ تیرماه ۱۳۸۷

مشکلات آنها را درج کنند تا افکار عمومی از این وضعیت باخبر شود.

حزب کمونیست کارگری از اعتراض و مطالبات کارگران صنایع فلزی "سازه‌های سنگین" و "چینی رویال" قاطعانه حمایت می‌کند. حزب کارگران مراکز مختلف و کلیه مردم را به حمایت بی دریغ از این اعتراضات و

خواهد یافت.

سمنان: اعتراض کارگران چینی رویال به عدم پرداخت دستمزدها

بنابه خبر دیگری که روز ۱۶ تیرماه منتشر شده بود، کارگران چینی رویال سمنان، در اعتراض به عدم دریافت ۴ ماه حقوق، اعتراض کرده و از رسانه‌های محلی خواسته‌اند که

مسئولان به خواسته‌های خود و عدم پرداخت ۳ ماه حقوق و بخشی از عیدی سال ۸۵ عنوان کردند. کارگران اعلام کرده‌اند که قرار است مدیر عامل شرکت روز ۱۷ تیرماه به میان آنها بیاید و در خصوص تأخیر در جواب دادن به مطالبات کارگران توضیح بدهد. کارگران التیماutom داده‌اند که در صورت اجرا نشدن قول مدیر، اعتصاب و اعتراض ادامه

ساری: اعتصاب ۲ ساعته کارگران صنایع فلزی "سازه‌های سنگین"

بنابه خبری کارگران شاغل در کارخانه شماره ۲ صنایع فلزی "سازه‌های سنگین" مازندران در اعتراض به عدم پرداخت بدهی معوقه خود دست از کار کشیده و به يك اعتصاب ۲ ساعته دست زدند. کارگران دلیل اعتصاب خود را بی توجهی

افشین شمس قهفرخی باید فوراً آزاد شود

قید و شرط او و کلیه زندانیان سیاسی است. تهدید، سرکوب، دستگیری و اذیت و آزار فعالین سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط خاتمه یابد. حزب همه مردم را به اعتراض به دستگیری فعالین سیاسی فرا می‌خواند. جمهوری اسلامی مسئول مستقیم جان و سلامتی افشین شمس قهفرخی است.

ماهیهای اخیر به شدت مورد تهدید نهادهای امنیتی بوده و نیروهای سرکوبگر، بعد از دستگیری او را به مکان نامعلومی انتقال داده‌اند. حزب کمونیست کارگری دستگیری افشین شمس قهفرخی و اذیت و آزار او و دیگر فعالین کارگری را به شدت محکوم می‌کند و خواهان آزادی فوری و بدون

"شورای همکاری تشکّل‌ها و فعالین کارگری" با انتشار اطلاعیه‌ای در تاریخ ۱۵ تیرماه امسال، از دستگیری یکی از اعضای "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکّل‌های کارگری" و عضو انجمن کاریکاتوریستها، آقای افشین شمس قهفرخی، اطلاع داد. در این اطلاعیه آمده است که افشین شمس قهفرخی در

یک دنیای بهتر

برنامه حزب را بخوانید
و در سطح وسیع توزیع کنید

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۰ ژوئیه ۲۰۰۸، ۲۰ تیرماه ۱۳۸۷

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

کارگران بخش صنعت نیشکر هفت تپه وارد اعتصاب شدند

هفت تپه، روز دوم اعتصاب

در اطلاعیه دیروز دوشنبه به اطلاع رساندیم که بخش هائی از کارگران نیشکر هفت تپه پس از پایان مهلتی که به کارفرما داده بودند و عدم تحقق خواسته‌های آنها در این مدت، اعتصاب را شروع کردند و اعتصاب آنها عملاً باعث شد کل کارخانه به حالت نیمه تعطیل درآید. امروز سه شنبه نیز کارگران بخش صنعت وارد

اعتصاب شدند. کارگران اعلام کرده اند چنانچه به خواسته‌های آنها رسیدگی نشود و پنج ماه حقوق معوقه آنها فوراً پرداخت نشود، کل کارگران وارد اعتصاب خواهند شد. شفیعی دیروز از کارگران خواست که دو روز به او مهلت بدهند اما کارگران که میدانند این وعده‌ها برای سر دواندن و خسته کردن کارگران است، منتظر وعده‌های او

نشدند و از رفتن به سر کار خودداری کردند. حزب کمونیست کارگری از همه مردم شوش، از کارگران مراکز مختلف در سراسر کشور از جمله کارگران ایران خودرو، از کارگران مردم شوش و هفت تپه و سایر شهرهای اطراف می‌خواهد قاطعانه به حمایت از کارگران نیشکر برخیزند، در تجمعاتشان شرکت کنند، خبر و مدیریت را به عقب نشینی کامل

وادارند. حزب بویژه از اعضای خانواده های کارگران نیشکر می‌خواهد مانند دور گذشته با تمام قوا و دوشادوش کارگران نیشکر، در این اعتراض شرکت کنند. کارگران نیشکر هفت تپه این توان و قدرت را دارند که با همبستگی مردم به تمام خواسته‌های خود برسند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۸ ژوئیه ۲۰۰۸، ۱۸ تیرماه ۱۳۸۷

اعتصاب کارگران لوله سازی خوزستان توسط نیروی انتظامی سرکوب شد

کارگران جاده اهواز - خرمشهر را به مدت ۱ ساعت و نیم مسدود کردند

کارگران "فرخ و مه نخ" قزوین بار دیگر دست به اعتصاب زدند

بر اساس گزارش خبرگزاری فارس از اهواز، کارگران شرکت لوله سازی خوزستان که در هفت کیلومتری جاده اهواز - خرمشهر واقع شده است، صبح روز ۱۹ تیرماه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد و حقوق خود، جاده اهواز - خرمشهر را از ساعت ۹ صبح مسدود کردند که با مداخله نیروی انتظامی جمهوری اسلامی (ناجا) و همچنین وعده پرداخت دو ماه از مطالبات کارگران در ساعت

۱۰ و نیم صبح پایان یافت. بنا بر همین خبر، کارگران قراردادی ۶ ماه حقوق و کارگران رسمی دو ماه حقوق معوقه از این شرکت طلبکارند. بنا به خبر دیگری نزدیک به ۸۰۰ نفر از کارگران کارخانه "فرخ و مه نخ" قزوین بار دیگر دست از کار کشیدند و در اعتراض به عدم پرداخت عیدی و پاداش سال ۸۶ خود به یک اعتصاب دو روزه دست زدند. مدیریت بلافاصله پس از اعتصاب

بخشی از بدهی کارگران مربوط به سال ۸۶ را پرداخت کرد. کارگران خواهان پرداخت فوری کلیه دستمزدهای معوقه خود میباشند. تعداد زیادی از کارگران این کارخانه دستمزد اردیبهشت به بعد خود را دریافت نکرده‌اند. کارگران گفته‌اند که اعتصاب مجدد برای دریافت دستمزد و حقوق پرداخت نشده‌شان دور از انتظار نیست. لازم به یادآوری است که کارگران کارخانه "فرخ و مه

نخ" قزوین تا بحال چندین بار در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده خود دست به اعتصاب و اعتراض زده‌اند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۹ ژوئیه ۲۰۰۸، ۱۹ تیرماه ۱۳۸۷

دو خبر از وضعیت فعالین کارگری دستگیر شده

محمد جراحی آزاد شد

تعیین وثیقه ۱۵۰ میلیونی برای غلامرضا غلامحسینی

وثیقه برای غلامرضا غلامحسینی را محکوم می‌کند و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط او و کلیه زندانیان سیاسی است. حزب همه کارگران و مردم شریف را به اعتراض به تعیین وثیقه برای آزادی زندانیان سیاسی فرا می‌خواند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۹ ژوئیه ۲۰۰۸، ۱۹ تیرماه ۱۳۸۷

دستگیر شده بود، دادسرای امنیت تهران برای آزادی او درخواست وثیقه ۱۵۰ میلیون تومانی کرده است. بستگان وی گفته‌اند که غلامرضا غلامحسینی در چهارماه گذشته حتی موفق به پرداخت کرایه خانه نیز نشده است که اکنون جمهوری اسلامی برای آزادی او درخواست وثیقه ۱۵۰ میلیون تومانی می‌کند.

حزب کمونیست کارگری آزادی محمد جراحی را به خانواده، همکاران و رفقای صمیمانه تبریک می‌گوید و خود را در شادی آنها شریک می‌داند. حزب همچنین قرار

بنا به خبری که آیت نیافر از کمیته دفاع از محمد جراحی در اختیار رسانه‌ها قرار داده بود، محمد جراحی فعال کارگری و از اعضای کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری که روز ۳۰ خرداد دستگیر شده بود، بعد از گذراندن ۲۰ روز در بازداشتگاههای جمهوری اسلامی سرانجام تهرته گردید. محمد جراحی هنوز آزاد نشده اما گفته میشود که بزودی آزاد می‌شود. بنا به خبر دیگری که بستگان غلامرضا غلامحسینی، از کارگران تعلیقی شرکت واحد و از اعضای سندیکای شرکت واحد، که در تیرماه

اعتراض کارگران کاشی رویال

به دستمزدهای پرداخت نشده

بنا به خبری که ۱۹ تیرماه منتشر گردیده بود، ۱۵۰ کارگر کاشی رویال سمنان در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه از حقوق و عیدی و مزایای سال ۸۶ خود، متحدانه دست به اعتصاب زدند و کارخانه تعطیل شد. کارگران گفته‌اند که مدیریت و اداره کار مدام وعده‌های دروغ می‌دهند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ ژوئیه ۲۰۰۸، ۱۹ تیرماه ۱۳۸۷

سوسیالیسم پیا خیز!

برای رفع تبعیض

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

لیست کمک مالی به تلویزیون کانال جدید!

کشور	نام	مبلغ
امریکا:	تینا سعید صالحی نیا	۶۰۰ دلار
	فریبا تهرانی	۴۰۰ دلار
	آقای حمیدی	۲۱۰ دلار
	شاملو اهواز	۲۰۰ دلار
	وفا تبریزی	۲۰۰ دلار
	آقای ممتاز	۱۰۰ دلار
	حسین بهروز	۱۰۰ دلار
	کسری منصور بختیاری	۲۰ دلار
		۵۰ دلار
		۵۰ دلار
سوئد:	آواره	۱۵۰۰ کرون
	کریم شامحمدی	۱۰۰۰ کرون
	سیامک بهاری	۱۰۰۰ کرون
	فریده آرمین	۱۰۰۰ کرون
	جاوید نصری	۱۰۰۰ کرون
	بهروز مهرآبادی	۱۰۰۰ کرون
	رحیم یزدانپرتس	۷۰۰ کرون
	منصور فرزاد	۵۰۰ کرون
	سوسن صابری	۵۰۰ کرون
	ممد امیری	۵۰۰ کرون
کانادا:	مسعود آذرنوش	۵۰۰۰ یورو
		۵۰۰۰ یورو
ایران:	حوزه انترناسیونال	۸۰۰۰۰۰ تومان
	علی کشاورز	۵۰۰۰۰ تومان

کمک مالی به کمیته کردستان:

۱- تینا	۲۰۰ دلار
۲- نیما آزاده	۱۰۰ دلار
۳- عباس ایاق	۱۰۰ دلار
۴- سعید صالحی نیا	۱۰۰ دلار
۵- حمید م	۱۰۰ دلار

هلند:

ملاقات هیئتی از واحد حزب کمونیست کارگری ایران - شرق کانادا با مسئولین اتحادیه پست کانادا

گفتیم این دقیقاً کاری است که ما بدان مشغول هستیم و تلاش می کنیم که خواست اخراج جمهوری اسلامی را با قدرت دنبال کنیم.

مسئولین اتحادیه پست در پایان جلسه از ملاقات با هیئت اعزامی اظهار خوشحالی نموده، به موضع حزب کمونیست کارگری نسبت به اخراج جمهوری اسلامی سمپاتی نشان دادند و در نهایت خواهان استمرار این روابط با هیئت شدند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - شرق کانادا
۵ ژوئیه ۲۰۰۸

کارگر معترض خواهان حقوق خود میشود، با زندان و شکنجه مواجه میشود. اشاره شد که علی رغم نبودن حق تشکل و اعتصاب، کارگران و مردم ایران همواره به خیابانها آمده اند و برای حقوق برحق خود که توسط رژیم اسلامی پایمال و به گروگان گرفته میشود، مبارزه میکنند، گفته شد که اگر طبقه کارگر ایران بعلت سرکوب و اختناق قادر به

تشکیل سازمانهای کارگری نیست، این وظیفه نیروهای سیاسی خارج از کشور منجمله حزب کمونیست کارگری ایران است که به نمایندگی از طرف طبقه کارگر ایران این خواست را مطرح کند و پرچم این کارزار را به اهتزاز در آورد. و ما

کارگران و مردم ایران ادامه خواهند داد ولی تقاضای اخراج جمهوری اسلامی از آی ال او توسط اتحادیه های کارگری در محدوده عمل اتحادیه ها نیست و اینکه این خواست را خواست جدیدی دانستند و گفته شد که مسئولین اتحادیه پست بایستی این موضوع را با اعضای خود به بحث و گفتگو بگذارند. در بحثی که در گرفت مسئولین اتحادیه پست معتقد بودند که اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار بایستی از طرف اتحادیه های کارگری ایران مطرح شود. در جواب گفته شد که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی اتحادیه، آزادی بیان و حق تشکل و اعتصاب وجود ندارد و هر زمان

به مطالبات چپ و رادیکال در مبارزات کارگران و مردم و نقش حزب و جنبش کمونیسم کارگری در رادیکالیزه کردن این جنبش اشاره کردند. در این بین اعضای هیئت از اهمیت حمایتی بین المللی کارگری از مبارزات کارگران و مردم ایران حرف زدند. گفته شد که نامه های حمایتی تاکنونی در تقویت مبارزات کارگران موثر بوده ولی بهیچوجه کافی نیست و این حمایتها بایستی به سطح جدیدی ارتقا پیدا کند و بر ضرورت خواست اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار تاکید گردید.

در پاسخ به این خواست هیئت، مسئولین اتحادیه اظهار داشتند که آنها به حمایتی تاکنونی خود از

در ۲۷ ژوئن ۲۰۰۸ هیئتی متشکل از محمد کاظمی، داوود آرام و فروغ ارغوان از طرف حزب کمونیست کارگری ایران - شرق کانادا با دو تن از مسئولین اتحادیه پست کانادا در اتاوا دنیز لمیلین، پرزیدنت اتحادیه پست و مارین پالاک، مسئول روابط بین المللی کارگری این اتحادیه ملاقات کردند و در ارتباط با اتحاد بین المللی با کارگران ایران گفتگو داشتند.

در این ملاقات اعضای هیئت به تفصیل در مورد چگونگی سر کار آمدن جمهوری اسلامی، کارنامه سرکوب و جنایت این رژیم و همچنین مبارزه و اعتراض کارگران و مردم بر علیه رژیم اسلامی صحبت کردند و

از صفحه ۷ از میان نامه ها و سؤالات

فراخواندن دوستانان به حزب، تا دیوار نویسی شعارهای حزب در خیابانها و شرکت کردن در تظاهراتها و اعتصابات، همه اینها را در بر میگیرد. و در سطح دیگری نیز اگر فعال اجتماعی هستید میتوانید در محل کارتان در کارخانه یا دانشگاه و غیره برای ایجاد تشکل ها و تشکل سازمانهایی که حزب در آن عرصه معین مبارزه توصیه میکند و رهنمود میدهد فعال شوید و اقدامات مشخصی را که حزب اعلام کرده است در دستور کارتان بگذارید. اینها مجموعه رهنمودهایی

جمعبندی حول کانال جدید، تا بحث و تبادل نظر حول سیاستهای حزب با اطرافیانتان، تشکل جمعهای مطالعاتی و معرفی ادبیات حزب و

**سوسیالیسم
پا خیز!
برای
رفع تبعیض**

سایت حزب: www.wpiran.org
سایت روزنه: www.rowzane.com
نشریه انترناسیونال: www.international.com
سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

مسئول صفحه بندی انترناسیونال: آرش نصری

هستند که من صرفاً رئوسش را در اینجا اشاره کردم. فراخوان من اینست که با حزب مستقیماً در تماس باشید و آموغ لیست وسیعی از فعالیتهایی که هر کسی بسته به تواناییها و امکاناتش میتواند در پیش بگیرد با شما در میان خواهیم گذارشت. و بدین ترتیب شما هم خواهید توانست در مبارزه برای رسیدن به آزادی و برابری و رهایی و برای رسیدن به جامعه انسانی سهیم شوید. این حزب حزب شماست به حزب کمونیست کارگری پیوندید. *
متن مینمای این نوشته بوسیله ناصر احمدی از روی نوار ویدئو پیاده شده است.

اعتصاب کارگران شرکت فرآوری منابع معدنی زنجان

بنابه خبری که "کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری" روی سایت اینترنتی خود قرار داده است، کارگران شرکت فرآوری منابع معدنی شهر زنجان در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدهای خود دست به اعتراض زده اند. متن خبر چنین است:

"کارگران شرکت فرآوری منابع معدنی شهر زنجان در اعتصاب هستند

کارگران این شرکت به علت پرداخت نشدن ۳ ماه حقوق خود دست به اعتصاب زدند. ۴۰۰ کارگر این شرکت اعلام کردند تا پرداخت نشدن حقوقهای این سه ماه به آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۸، ۲۰ تیرماه ۱۳۸۷

جلسات گفتگو با حمید تقوایی در چت روم پلتاک و هایچتر

گفتار این هفته:

خطر حمله نظامی به ایران و پاسخ مردم!

زمان:

جمعه 21 تیر 1387، 11 ژوئیه 2008،

ساعت ۳۰:۹ شب بوقت ایران،

7 شب بوقت اروپای مرکزی، 1 بعد از ظهر بوقت شرق آمریکا

مکان:

اطاق ایران - با حمید تقوایی دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

در پلتاک و هایچتر

تلفن تماس

و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیسی:

Account nr. 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

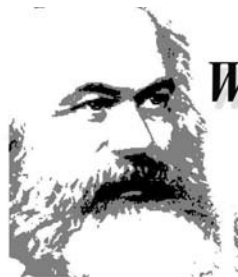
سوئد:

پست جیرو 60-3-639 60
صاحب حساب IKK

آلمان:

Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

اگر از ایران ارسال میکنید: میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم. تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.



WE STILL NEED **MARX**
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org

یک دنیای بهتر

برنامه حزب

را بخوانید

و در سطح

وسیع توزیع

کنید



Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

اساسی سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

سالگرد ۱۸ تیر روز ابراز وجود علنی جنبش سرنگونی طلبانه مردم ایران در خارج کشور گرامی داشته شد!

جمهوری اسلامی و مبارزات کارگران و مردم ایران بر علیه این رژیم در لیور پور - سیدنی دایر کرد. در این غرفه تلاش شده بود که با عکس و تصویر و نصب پلاکاردها و شعار توجه مردم و رهگذران به آنچه که در ۱۸ تیر اتفاق افتاد و آنچه که امروز در ایران می گذرد جلب گردد. در این غرفه شعارهای نظیر "سران جمهوری اسلامی باید بجرم جنایت علیه بشریت تحت تعقیب قرار گرفته و محاکمه شوند"، "زندانیان سیاسی آزاد باید گردند"، "دانشجویان زندانی آزاد باید گردند"، "گرامی باد سالگرد ۱۸ تیر" و همینطور عکسهایی از جنایات جمهوری اسلامی دیده می شد. مردم از این حرکت استقبال خوبی کردند و با مراجعه به این میز طومار محکومیت جمهوری اسلامی و حمایت از مبارزات مردم ایران را امضا می کردند. آنها همچنین تاکید داشتند که دولت استرالیا باید روابط دیپلماتیک و سیاسی خود با جمهوری اسلامی را بدلیل نقض حقوق کارگران و شهروندان توسط رژیم اسلامی، مورد تجدید نظر قرار دهد. مردم با گرمی از خواستهای ما یعنی توقف فوری تعقیب کارگران و خاتمه دادن به دستگیری تمام فعالین سیاسی و اجتماعی، آزادی فوری

علی العموم ضمن نشان دادن سمپاتی خود به این برنامه ها سوالات مختلفی در باره مسائل و موضوعات مربوط به ایران مطرح می کردند که فعالین حزب به آنها پاسخ می دادند. این برنامه برای مدت بیش از سه ساعت ادامه داشت.

لازم به توضیح است که کمیته فرانکفورت حزب کمونیست کارگری ایران هر هفته روزهای جمعه در محل دانشگاه میز کتاب و نمایشگاه عکس برگزار می کند. در همین رابطه روز ۴ ژوئیه نیز یک نمایشگاه عکس در دانشگاه دایر بود که با استقبال نسبتا خوب دانشجویان و مردم مواجه گردید. این نمایشگاه هم در گرامیداشت ساگرد ۱۸ تیر برگزار گردید و تعداد زیادی از دانشجویان و مردم فارسی زبان از آن دیدن کرده و د باره ۱۸ تیر و اوضاع سیاسی ایران با فعالین و کادرهای حزب به بحث و گفتگو پرداختند.

برلین -

در برلین نیز به مناسبت سالگرد ۱۸ تیر یک میز کتاب با هدف اطلاع رسانی دایر شد. بر این میز کتاب آخرین اطلاعیه های حزب در رابطه با ۱۸ تیر به زبان آلمانی به همراه

دانشجویان حمایت کردند. در ادامه این برنامه ژیلحقگو و سیامک مکی کادرهای حزب در مورد ۱۸ تیر و اعتراضات و مبارزه آن سالها سخنرانی کردند. سخنرانی های کادرهای حزب توجه دانشجویان را بخود جلب کرد. تعداد زیادی از دانشجویان از فعالین حزب در باره ایران و مبارزات مردم ایران سوال کرده که فعالین حزب به آنها پاسخ می دادند. همچنین اطلاعیه های حزب و نشریات آلمانی به تعداد وسیعی پخش گردید.

کلن -

در کلن روز سه شنبه ۸ ژوئیه نمایشگاه عکس و میز اطلاع رسانی در مرکز شهر برگزار گردید. در محوطه نمایشگاه میز کتاب پرچم حزب، پوسترها و پلاکاردهای زیادی نصب شده بود. تعداد قابل توجهی از مردم از این نمایشگاه و میز کتاب دیدن کرده و با کادرها و فعالین حزب پیرامون موضوع این نمایشگاه یعنی ۱۸ تیر و مسائل روز سیاسی ایران بحث و گفتگو کردند. این برنامه به مدت نزدیک به دو ساعت ادامه داشت.

فرانکفورت -

روز شنبه ۵ ژوئیه به فراخوان کمیته فرانکفورت تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری ایران یک گردهمایی اعتراضی به همراه نمایشگاه عکس در مرکز شهر فرانکفورت برگزار شد. راس ساعت ۴ بعد از ظهر فعالین حزب با دایر کردن نمایشگاه عکس که به سالگرد ۱۸ تیر اختصاص داشت توجه عابریین و مردمی را که در رفت و آمد بودند به خود جلب کردند. پرچم های حزب به همراه پلاکاردها و پوستره های ویژه ۱۸ تیر در کنار پخش اطلاعیه های حزب به این مناسبت به زبانهای آلمانی و فارسی توجه تعداد زیادی از رهگذران را به این برنامه جلب نمود. تعداد قابل توجهی از مردم ضمن دیدار از نمایشگاه عکس، بویژه عکس های تظاهرات دانشجویان در ۱۸ تیر سال ۱۳۷۸ با فعالین و کادرهای حزب در این مورد به بحث و گفتگو پرداختند. مردم



و سخنرانی سوسن صابری، عضو کمیته مرکزی حزب، به مناسبت ۱۸ تیر و جایگاه جنبش سرنگونی شروع شد. سخنران دوم محسن بختیاری یکی از شرکت کنندگان در تظاهرات بود که در مورد تاریخچه جنبش دانشجویی و ۱۸ تیر سخنرانی را ایراد کرد. سخنران سوم احمد صالحی شرکت کننده دیگری در این تظاهرات بود. چهارمین سخنران این تظاهرات پیروز شهیدی بود که از اهمیت برگزاری چنین مناسبتیهایی صحبت کرد. پنجمین سخنران عبدالله اسدی، عضو دفتر سیاسی حزب، بود که ضمن اشاره به جایگاه ۱۸ تیر و اهمیت مبارزه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و آزادی احزاب از همین امروز تا فردای سرنگونی از همه شرکت کنندگان برای حضور در این تظاهرات تشکر کرد. منصور تهراتی نیز در این تظاهرات ترانه معروف یار دبستانی که ساخته خودش است را همراه با جمعیت اجرا نمود. سپس نازنین صدیقی اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در مورد ۱۸ تیر را قرائت کرد و آخرین سخنران حسین صالحی یکی دیگر از شرکت کنندگان در این تظاهرات بود.

آلمان - برمن

روز سه شنبه ۸ ژوئیه یک گردهمایی و نمایشگاه عکس در دانشگاه برمن برگزار شد. محوطه برگزاری نمایشگاه با پرچم های حزب، پلاکاردها و پوستره های ویژه سالگرد ۱۸ تیر مزین شده بود. تعداد زیادی از دانشجویان ضمن دیدار از این نمایشگاه، طومار اعتراض به جمهوری اسلامی و حمایت از مردم ایران را امضا کرده و از خواستهای

در سالگرد ۱۸ تیر تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران در کشورهای سوئد و آلمان اقدام به برگزاری چندین گردهمایی، نمایشگاه عکس و دایر کردن غرفه های اطلاع رسانی کرد. هدف از این فعالیت ها این بود که ضمن گرامیداشت ۱۸ تیر، به تداوم نزدیک به ۳۰ سال حکومت ترور و سرکوب جمهوری اسلامی اعتراض شود و افکار عمومی به حمایت از مردم ایران جلب گردد. در زیر گزاشی از این فعالیتها را می خوانید:

سوئد - گوتنبرگ

روز سه شنبه ۱۸ تیر به فراخوان تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران تظاهرات در میدان مرکزی شهر گوتنبرگ برگزار گردید. تریبون این تظاهرات برای همه آزاد بود و تعدادی از شرکت کنندگان در تظاهرات در مورد وقایع ۱۸ تیر سخنرانی کردند و همبستگی خود را با دانشجویان در ایران و جنبش سرنگونی طلبانه مردم در ایران اعلام نمودند و بر مبارزه پیگیر تا سرنگونی جمهوری اسلامی تاکید کردند.

در این تظاهرات نمایشگاه عکسی از مبارزات دانشجویان، اعدام مخالفین، زندانیان له شده زیر شکنجه و سرکوب زنان در خیابانها به نمایش گذاشته شده بود که توجه مردم را به شرایط سخت زندگی و سرکوب و اختناق در ایران و همچنین مبارزه آنها علیه رژیم جلب می کرد. بعلاوه اطلاعیه های زیادی که به زبان سوئدی و فارسی به مناسبت ۱۸ تیر تهیه و تنظیم شده بود در میان مردم توزیع گردید. تظاهرات ابتدا با خوشامدگویی



تمام دانشجویان در بند و برسمیت شناختن فوری حق شناخته شده بین المللی تشکل اعتصاب و آزادی بیان برای کارگران ایران حمایت می کردند.

نشریان حزب قرار داشت و در میان مردم نیز پخش گردید.

استرالیا - سیدنی

- روز ۸ ژوئیه مصادف با ۱۸ تیر سالگرد اعتراض وسیع و گسترده دانشجویان و مردم در سال ۱۳۷۸، واحد حزب در استرالیا یک میز و غرفه اطلاع رسانی در مورد جنایات

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران ۹ ژوئیه ۲۰۰۸